

تحلیل حقوقی امکان اجرای «اماره مجرمیت» در جرایم اقتصادی

محمد نعیم شریفی*

چکیده

جرایم اقتصادی هم به لحاظ ماهیت و هم به لحاظ صدمات جبران ناپذیری که به امنیت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی جامعه، در سطح ملی و بین‌المللی، وارد می‌کند در قلمرو سیاست جنایی اهمیت ویژه‌ای دارد. حفظ نظم و امنیت از مسایل محوری در سیاست‌ها و راهبردهای کشورها است. از این‌رو، حکومت‌ها برای برقراری نظم و زنجیره اقتصاد جامعه دست به جرم‌انگاری‌ها و ایجاد نهادهای افتراقی و اتخاذ روش‌های ویژه و استثنایی می‌زنند تا در کنترل و مبارزه با جرایم یاد شده موفق و موثر عمل نمایند. اما پیچیدگی ماهیت جرایم اقتصادی، مهارت و هوش‌مندی و نفوذ سیاسی و اقتصادی مرتکبان و نیز وضعیت خاص بزه‌دیدگان مستقیم و غیرمستقیم این جرایم از عوامل ناکارآمدی دلایل سنتی و روش‌های معمول کشف جرم محسوب می‌شوند. بنابراین، توجه به روش‌های جدیدتر و متناسب با پیچیدگی جرایم یاد شده و راهکارهای کارآمد برای پاسخگویی به ابعاد خسارات و آثار منفی ناشی از آن، لازم و ضروری است. یکی از این روش‌های خاص، توجه به اجرای «اماره مجرمیت» و معکوس نمودن بار اثبات دلیل است. این مقاله به تبیین همین ضرورت و مبانی و منطق توجیه حقوقی اجرای «اماره مجرمیت» در قلمرو جرایم اقتصادی پرداخته است.

واژگان کلیدی: اماره مجرمیت، اصل برائت، جرایم اقتصادی، مبانی، بار اثبات دلیل.

مقدمه

«فرض برائت» از اصول حاکم در دادرسی‌های کیفری است و بر اساس آن، بار اثبات دلیل بر عهده مدعی (شمس ناتری، ۱۳۸۱: ۶۶) و مقام تعقیب است، به عبارت دیگر، دادستان به عنوان مدعی العموم باید دلیل عناصر سازنده جرم را ارایه نماید، ولی همواره ارایه دلیل به راحتی مقدور نیست و گاهی دسترسی به دلایل جرم با موانع و چالش‌های متعددی روبه رو است. مشکلات بار دلیل، قانون‌گذار و رویه قضایی را واداشته تا برای دفاع از منافع عالی اجتماع، اصول خاصی را پی‌ریزی نمایند و با ترجیح حق اجتماع بر حق فرد، دادستان را برای اثبات دعوی یاری رسانند؛ بدین ترتیب با تهمیداتی به سبک نمودن بار دلیل می‌پردازند و یا آن‌که اساساً وی را معاف از ارایه دلیل دانسته و بار اثبات دعوی را به طرف مقابل منتقل می‌سازند (تدین، ۱۳۸۸: ۵۲)، در این جا است که اصل برائت نادیده گرفته می‌شود و اماره مجرمیت مطرح می‌گردد.

برخی مبنای عبور از اصل برائت را دقیقاً همان دلایل توجیه کننده اجرای اصل برائت در حقوق کیفری می‌داند و می‌نویسد: «همان‌گونه که عدالت کیفری اقتضا می‌کند که در صورت عدم وجود دلیل، برائت و بی‌گناهی متهم مورد حکم قرار گیرد، در موارد خاصی نیز که وجود قراینی ظن ارتکاب جرم توسط متهم را تقویت می‌کند، اقتضای عدالت حقوقی و مصالح عمومی تقدم اماره مجرمیت بر اصل برائت است» (همان: ۵۳؛ شمس ناتری، پیشین: ۷۳). فرض تقدم اماره مجرمیت به عنوان استثنای بر اصل برائت در حقوق بین‌المللی و هم در حقوق داخلی بسیاری از کشورها پذیرفته شده است و در حقوق اسلام نیز مورد توجه قرار گرفته است. عدول از اصل برائت در حقوق کیفری و اسناد بین‌المللی در سه حوزه؛ جرایم علیه امنیت، جنایات علیه بشریت و ثروت‌های مشکوک مطرح شده است (همان، ۷۶-۸۳؛ سرمست بناب، ۱۳۸۷: ۱۸۴-۲۰۰). در فقه اسلامی نیز، جریان اصل مجرمیت در قتل‌های مشکوک، اجرای قسامه و ضمان عاقله قابل ردیابی است.

جرایم مالی جدید که با عنوان جرایم اقتصادی نیز مطرح است، موضوعات به شدت پیچیده و متحول شده‌اند که می‌توانند در بسترهای گوناگون و فعالیت‌های به ظاهر مشروع انجام شوند اما در واقع یک بازار اقتصادی و مالی مریض را رواج می‌دهند که در آن، اصول عدالت اقتصادی و تناسب کار با درآمد نقض می‌شود؛ کسانی که زحمت و کار زیادی انجام می‌دهند سود کم و صاحبان شرکت‌ها و دلال‌های که کار و زحمت کم متحمل می‌شوند بیش‌ترین سود را می‌برند. در واقع امروزه جرایم اقتصادی در بستر زندگی اقتصادی روزمره و نه با توسل به زور بلکه با سوء استفاده از هوش، استعداد و تدبیر یا فن‌آوری‌های مدرن ارتکاب می‌یابند. بدین ترتیب، جرم اقتصادی به کمک یا در پناه ساختارها و ابزارهای اقتصادی مشروع بدون توسل به خشونت و یا تهدید ارتکاب می‌یابد (ابراهیمی، ۱۳۸۶: ۱۲۴-۱۲۵). بنابراین، در جرایم مالی جدید به نحوی تصاحب اموال به صورت مخفی وجود دارد، لذا در مواجهه با آن‌ها، با چالش‌های مختلف روبه‌رو هستیم؛ افراد متضرر می‌شوند و عده‌ای نفع می‌برند؛ اما آن‌های که متضرر می‌شوند الزاما با افرادی خاصی روبه‌رو نیستند و آن‌های که منتفع می‌شوند نیز الزاما با قربانی‌هایی خاصی روبه‌رو نیستند و مال کسی را به ظاهر نبرده‌اند. اما به نحوی سبب اختلال در بازار و سیستم اقتصادی و زیان عده‌ای شده‌اند. بسیاری از قربانیان از بزه‌دیدگی شان مطلع نیستند و نمی‌شوند، تا علیه بزه‌کاران شکایت نمایند. شاهدان نیز یا متوجه اتفاق افتادن چنین جرایمی نمی‌شوند و یا وقتی از وجود آن‌ها آگاه می‌شوند نمی‌دانند در برابر آن، چه واکنشی نشان دهند. دادستان و مقام تعقیب نیز در بسیاری موارد با مشکل دسترسی به دلایل و مشکل اثبات جرم مواجه هستند. پرسش اساسی در این جا این است که آیا می‌شود، در این جا نیز از اصل برائت عبور کرد و برای حمایت از مصالح عمومی، نظم بازار اقتصادی و حمایت از بزه‌دیدگان، بار اثبات دلیل را به عهده متهمان گذاشت؟ در این مقاله تلاش شده است که به منظور پاسخ به پرسش یاد شده امکان جریان اماره مجرمیت در جرایم اقتصادی را مورد تحلیل و بررسی قرار دهد.

۱. مفهوم شناسی

برای این که سخن از اجرای اماره مجرمیت در جرایم مالی جدید، بهتر درک شود و زمینه‌های آن، بهتر قابل فهم باشد، در این جا دو مفهوم مهم و مرتبط با موضوع؛ یعنی مفهوم اماره مجرمیت و مفهوم جرایم اقتصادی بررسی می‌گردد.

۱.۱. مفهوم اماره مجرمیت

واژه «اماره» در لغت به معنای علامت و نشانه و جمع آن امارات است (دهخدا، ۱۳۷۳: ذیل واژه؛ معین، ۱۳۸۳: ج ۱، ۳۴۶) و در اصطلاح در علم اصول فقه و حقوق کاربرد دارد؛ اماره در اصول فقه به آن طریق و دلیل ظنی گفته می‌شود که هرچند کاشفیت ناقص از حکم شرعی دارد، اما شارع آن را معتبر دانسته است (مظفر، ۱۳۷۰: ۱۴). به عبارت دقیق‌تر، «اماره، دلیل و نشانه‌ای است که نوعاً باعث ظن انسان به واقع می‌شود و معمولاً امر مجهولی را به صورت ظنی برای ما آشکار می‌سازد و به همین جهت از طرف شارع، حجیت و اعتبار یافته است». بر اساس این تعریف، وجود دو عنصر در ماهیت اماره لازم است: نخست آن که اماره نوعاً به صورت ظنی کاشف از واقع است. دیگر آن که از سوی شارع معتبر شناخته شده است (قافی و شریعتی، ۱۳۹۷: ج ۲، ۱۳).

در اصطلاح حقوقی، اماره به معنای اوضاع و احوال خاصی است که نوعاً با واقعه مورد نظر ارتباط دارد و می‌توان از وجود این اوضاع و احوال به وجود واقعه پی‌برد (کاتوزیان، ۱۳۸۸: ۳۶۱). امور یاد شده در صورتی معتبر است که از سوی قانون‌گذار به رسمیت شناخته شده باشد. در واقع اماره «نتیجه‌ای است که قانون یا قاضی از یک عمل معلوم برای اثبات یک عمل مجهول که وجود آن را، همین عمل معلوم محتمل کرده است، استنباط می‌کند و ذی‌نفع را از اثبات عمل مجهولی که ارایه دلیل برای آن، مشکل یا غیر ممکن بوده است، معاف می‌نماید و انکار این اماره را برعهده طرف مقابل قرار می‌دهد» (تدین، پیشین: ۵۳). بنابراین، امارات مجرمیت، بر اساس وجود عوامل خارجی، قرائن و نشانه‌های عینی، مجرمیت شخص متهم را مفروض می‌انگارد و به همین جهت از آن‌ها به عنوان امارات مجرمیت یا فروض مجرمیت نام می‌برند. سازوکار عمومی این امارات بر مبنای فرض وجود یکی از دو عنصر مادی یا معنوی جرم استوار شده است؛

بدین ترتیب دادستان حسب مورد از اثبات عنصر مادی یا معنوی معاف خواهد بود و اثبات عدم تحقق هریکی از آن دو عنصر یاد شده به عهده متهم قرارداد شده است (همان، ۵۳-۵۴). از این رو، اماره مجرمیت بر روی یک احتمال (راجح) ساده و نه بر اساس وجود واقعیت بنا می شود، به همین علت، مؤدای این اماره فقط می تواند مجرمیت شخص تحت تعقیب را اثبات کند بدون اینکه عوامل مادی جرم یا هویت مرتکب عمل مجرمانه یا عنصر روانی را احراز نماید (همان، ۵۴).

نکته دیگر این که کاربرد اصطلاح «اماره» در حقوق محدودتر از کاربرد آن، در اصول فقه است؛ بر اساس ماده ۱۲۵۸ ق.م. امارات از جمله ادله اثبات دعوا هستند که در مقابل شهادت، اقرار، اسناد کتبی و قسم قرار می گیرند. اما در اصطلاح اصولی، به همه ادله یاد شده «اماره» گفته می شود (قافی، شریعتی، پیشین: ج ۳، ۱۹۲). اماره در اصطلاح حقوق بر دو قسم؛ اماره قانونی و اماره قضایی، تقسیم می شود. اماره قانونی، اوضاع و احوالی است که قانون آن را دلیل بر امری قرار داده است؛ به عبارت دیگر، دلالت وجود امر یا مجموعه ای از امور (اوضاع و احوال) بر وجود امر دیگر (عنصر مادی یا معنوی) اگر به حکم قانون باشد، اماره قانونی نامیده می شود (تدین، پیشین: ۵۴ - ۵۵). از ویژگی های اماره قانونی آن است که کسی که در جریان دعوی اماره قانونی به نفع او است، از ابزار دلیل دیگر معاف است و دادگاه باید اماره اثبات شده را مبنای حکم خود قرار دهد، مگر این که دلیل معتبری خلاف اماره باشد. دیگر این که این نوع اماره محدود به تعداد معین در قانون است (مدنی، ۱۳۸۵: ۲۲۴). برخلاف امارات قانونی، امارات قضایی یا شکلی به صلاح دید قاضی واگذار شده اند. بنابراین، اماره قضایی به اوضاع و احوالی گفته می شود که در دعوی خاص به نظر قاضی به عنوان دلیل بر امری شناخته می شود (همان) بنابراین، قاضی می تواند هر اوضاع و احوالی را که در نظر او، به تشخیص وجود امر مورد ادعا (عنصر مادی یا معنوی) کمک نموده و وجدان او را اقناع می نماید، مورد توجه قرار دهد. (تدین، پیشین: ۵۵).

نکته دیگر این که اماره قانونی یا قضایی از سوی قانون گذار به عنوان یک قاعده ثابت وضع نشده است، بلکه هدف از وضع آن ها، گشودن راه آسان برای وصول به حقایق

خارجی و یاری صاحب حق و مدعی است در موارد که اثبات حقیقت دشوار و یا غیر ممکن است. بنابراین، اگر در مواردی با دلیلی ثابت شود که حقیقت برخلاف مضمون اماره است، دیگر اماره معتبر نخواهد بود. هم‌چنین اماره، هم از نظر فقها و هم از نظر حقوق‌دانان، جنبه استثنایی دارد و تنها در صورت معتبر است که از سوی شارع یا قانون‌گذار به رسمیت شناخته شده باشد (قافی و شریعتی، پیشین: ۲۰-۲۱). بنابراین، اماره مجرمیت نیز یک قاعده ثابت نیست بلکه تنها برای یاری دادستان و تسهیل امر تعقیب متهمان مورد توجه قانون‌گذاران قرار گرفته است، لذا در صورت وجود دلیل معتبر قابل رد و نقض است.

۲.۱. مفهوم جرایم اقتصادی

در خصوص اصطلاح «جرم اقتصادی» باید گفت: با وجود آن‌که چندین دهه است جرایم اقتصادی، مورد بحث نویسندگان حقوق و اقتصاد قرار گرفته اما هنوز مفهوم، جایگاه، ابعاد و ارتباط آن با عناوین مشابه، محل تضارب آرا است. در این زمینه هیچ گونه تعریفی که گویای اجماع نویسندگان و مورد قبول غالب حقوق‌دانان و اقتصاددانان باشد، وجود ندارد (مهدوی‌پور، ۱۳۹۰: ۳۴). برخی از نویسندگان بر این باوراند که اصولاً نمی‌توان در این مورد به یک تعریف جامع دست‌یافت لذا به‌جای تعریف جرایم اقتصادی به بیان ضوابط و معیارهای این جرایم پرداخته‌اند (میرسعیدی و زمانی، ۱۳۹۲: ۱۷۰ به بعد). از این‌رو، برای فهم اصطلاح «جرایم اقتصادی» ناگزیر از تعریف اجزای آن می‌باشیم.

جرم اقتصادی از دو واژه «جرم» و «اقتصاد» ترکیب یافته است. جرم (crime) در لغت به معنای گناه، خطا، بزه و نا شایسته آمده (دهخدا، ۱۳۳۸: ج ۱۶، ذیل واژه) و در اصطلاح حقوقی، به فعل یا ترک فعلی گفته می‌شود که در قانون برای آن ضمانت اجرا و مجازات تعیین شده باشد (نجفی ابرند آبادی و هاشم بیگی، ۱۳۹۰: ۸۰). واژه اقتصاد (economy) در لغت به معنای حد میانه و اعتدال و در اصطلاح به معنای دانش چگونگی رفتار صحیح در تولید، توزیع و مصرف کالا و خدمات و بررسی نتایج این

گونه فعالیت‌ها است. (دولت شاهی، [بی‌تا]، ۲۰) برنامه‌ها و تدابیر که اهداف اقتصادی را تنظیم می‌کند، سیاست اقتصادی نام دارد. (زراعت، ۱۳۹۵: ۴).

چنان‌که بیان شد، در مورد اصطلاح «جرایم اقتصادی» تعریف واحدی وجود ندارد و قانون‌گذاران و حقوق‌دانان تعریف‌های متعددی را ارایه نموده‌اند. اما با توجه به تعریف اجزای اصطلاح جرم اقتصادی می‌توان اصطلاح یاد شده را به لحاظ حقوقی چنین تعریف کرد: جرایم اقتصادی عبارت‌اند از فعل و ترک فعل‌های ناقض قوانین و مقررات اقتصادی در زمینه تولید، توزیع و مصرف کالا و خدمات که موجب اخلال در نظم و سیاست اقتصادی یک جامعه می‌شوند و در قانون جزا و یا سایر قوانین برای آن‌ها ضمانت اجرای کیفری پیش بینی شده است.

جرایم اقتصادی دارای ویژگی‌های خاص و متمایز از سایر جرایم هستند (میرسعیدی و زمانی، پیشین: ۱۶۹-۱۷۰؛ مهدوی‌پور، پیشین: ۳۹-۴۸). این ویژگی‌ها را می‌توان با توجه به توصیفات صاحب نظران، قوانین داخلی و بین‌المللی به صورت خلاصه چنین بیان کرد.

۱. جرایم اقتصادی دارای موضوع چندگانه است؛ در برخی موارد اموال مردم و دولت موضوع جرم هستند؛ مانند اختلاس و کلاهبرداری و در موارد دیگری، اعتماد عمومی و سلامت روابط اداری موضوع جرم است؛ مانند ارتشا و گاهی نیز فراتر از آن‌دو، زندگی مردم موضوع جرم قرار می‌گیرد؛ مانند اخلال در نظام تولید و توزیع خدمات. ۲. این جرایم غالباً در قالب فعالیت‌های تجاری و اقتصادی به ظاهر مشروع و با انگیزه‌های سود و منافع مالی انجام می‌شود. ۳. پیچیدگی و سازمان یافتگی از دیگر ویژگی‌های این نوع جرایم است. ۴. از آن‌جا که این نوع جرایم معمولاً با استفاده از نبوغ فکری و مهارت مرتکبان آن انجام می‌شود جزو جرایم حيله‌آمیز و متقلبانه و نرم به شمار می‌آید.
۵. مرتکبان این جرایم به‌طور کلی و نه الزاماً از موقعیت یا قدرت اجتماعی یا سیاسی و یا هردو برخوردارند. ۶. گسترده بودن آثار و ضررهای آن از دیگر ویژگی‌های این جرایم است. قربانی و متضرر این نوع جرایم دولت یا عموم مردم و یا حد اقل گروهی بزرگی از مردم هستند و نه فقط یک یا چند شخص عادی. از این‌رو، دارای آثار گسترده است به‌گونه‌ای که زندگی مردم را مختل و امنیت اقتصادی را با تهدید مواجه می‌سازد.

اختلال در سرمایه‌گذاری، توزیع ناعادلانه فرصت‌های اقتصادی و درآمدها از پیامدهای مهم جرایم اقتصادی در جامعه است. ۷. فرا زمانی و فرا مکانی بودن از دیگر ویژگی‌های این جرایم محسوب می‌شود؛ معمولاً آثار این نوع جرایم فوری نیست و با گذشت زمان نمایان می‌شود و فراتر از حوزه قضایی محلی، ایالتی و حتی کشوری انجام می‌گیرد. ۸. جرم اقتصادی از نظر بزه‌دیده نیز دارای ویژگی‌های خاص هستند و بر خلاف سایر جرایم در این جا علاوه بر بزه‌دیدگان مستقیم شامل بزه‌دیدگان غیرمستقیم نیز می‌شود و غالباً بزه‌دیدگان این نوع جرایم از بزه‌دیگی شان مطلع و آگاه نیستند.

۲. جریان اماره مجرمیت در جرایم اقتصادی

ادله اثبات دعوی از مهم‌ترین مباحث آیین دادرسی است. اتهام بدون دلیل در حکم عدم آن است و تا زمانی که اتهام بر اساس دلایل قناعت آور و فراتر از شک معقول به اثبات نرسد اصل برائت حاکم خواهد بود. (رحمدل، ۱۳۹۴: ج ۳، ۱۶۳). اما در جوامع امروزی که حیات اجتماع به‌خاطر وجود جرایم پیچیده و سازمان یافته با خطر مواجهه شده است، حقوق کیفری «شهروندمدار» کم‌رنگ شده و حقوق کیفری «دشمن‌مدار» مورد توجه قرار گرفته است. نظم و امنیت بیش‌تر از عدالت اهمیت پیدا کرده است. در چنین فضایی حقوق افراد در اجتماع، در معرض خطر قرار می‌گیرد و بحث عدول از اصول و قواعد پذیرفته شده در دادرسی مانند اصل برائت، اصل مشروعیت تحصیل دلیل و... مطرح می‌شود (مهدوی‌پور، پیشین: ۲۹۴).

در مبارزه با جرایم اقتصادی به‌عنوان جرایم مهم مرتبط با نظم و امنیت جامعه وفاداری به اصول حاکم بر کسب ادله اثبات و از جمله اصل برائت یکی از چالش‌ها و مشکلات در این زمینه است. با توجه به پیچیدگی جرایم اقتصادی، ارباب شهود و بزه‌دیدگان و حتی اعضای نادم گروه‌های بزه‌کار، استفاده از خشونت و تطمیع مقامات عدالت کیفری، ارتکاب جرم در محیط‌های بسته تجاری یا اداری در کنار عوامل بسیاری دیگر که جنبه فرهنگی یا روان‌شناسی و سازمانی دارد، مجموعاً اثبات جرایم مورد بحث را با موانع جدی مواجه ساخته و کاهش شدید احتمال تعقیب و مجازات، به مرتکبان بالقوه جرم آرامش خاطر می‌دهد و نظریه بازدارندگی را با شکست مواجهه می‌سازد.

(همان: ۲۶۰). از این رو، ماهیت پیچیده اکثر پرونده‌های اقتصادی و مانع تراشی مرتکبان این نوع جرایم از طریق تخریب و نابودسازی و یا پنهان کردن ادله و آثار جرم، نفوذ در دستگاه عدالت کیفری، تهدید و تطمیع شهود و افراد شاکی، عمل به بار سنگین اثبات را با دشواری خاصی روبه رو ساخته است. وضعیت خاص و تعدد متضرران از این نوع جرایم و نا آگاهی آن‌ها از بزه‌دیدگی شان عامل دیگری است که کشف جرم و مبارزه با جرایم در قلمرو جرایم اقتصادی را با مشکل مواجهه نموده است. با توجه به چالش‌های بیان شده غالباً شیوه‌های سستی گردآوری دلایل و مدارک جرم، مانند اقرار و شهادت و...، به نتایج قانع کننده منتهی نمی‌شود و پیش‌بینی روش‌های جدیدتری لازم و ضروری است (همان، ۱۳۹۲: ۵۱۷).

بنابراین، اگر تدابیر خاص و تمهیدات مؤثری در این زمینه اتخاذ نشود، متهمان از برخی مصونیت‌های کیفری و اصل برائت استفاده نموده از چنگال عدالت فرار خواهند نمود؛ فساد و تحصیل درآمدهای نامشروع استمرار خواهد یافت؛ در نتیجه عده‌ی زیادی متضرر و فقیر خواهند شد و سرمایه‌های کلان و عواید ناشی از آن‌ها در دست عده‌ای محدودی قرار می‌گیرد که هرازچند گاهی برخی از بازارهای مالی و بازار سرمایه را با تلاطم و اختلال رو به رو خواهند نمود و اعتماد مردم را نیز به قوانین و مؤسسات مالی و اقتصادی از بین می‌برد.

مشکلات بار دلیل در چنین مواردی، دانشمندان حقوق را بر آن داشته‌اند که در حمایت از مصالح و منافع عالی اجتماع و متضرران و بزه‌دیدگان راهبردهای استثنایی خاصی را مطرح نمایند و قانون‌گذاران نیز در این زمینه با ترجیح حق اجتماع بر حق فرد، به استمداد دادستان‌ها پاسخ مثبت داده اصول خاصی را پی‌ریزی نمایند و بر اساس آن، به سبک نمودن بار اثبات دلیل پردازند و یا آن‌که اساساً مقامات تعقیب و کشف جرم را معاف از ارایه دلیل دانسته و بار اثبات دلیل را به طرف مقابل منتقل سازند (تدین، پیشین: ۵۲). البته این نگرانی در این جا وجود دارد که اگر این سیاست‌های افتراقی به صورت سنجیده و درست پیش‌بینی نشود ممکن است، بهای آن گزاف باشد و بنیان‌های نظام عدالت کیفری و نظم عمومی تضعیف شود و راه برای تضییع حقوق افراد باز شود،

آنگاه مبارزه با فساد و جرایم اقتصادی نیز ناکام خواهد بود. از این‌رو، قانون‌گذاران و سیاست‌گزاران در این زمینه باید میان بنیان‌های تضمین عدالت کیفری از یک‌سو و ضرورت اقدامات مؤثر برای پیش‌گیری و مبارزه با فساد و جرایم مورد نظر، توازن برقرار نمایند.

بنابراین، برای حفظ اصول عدالت کیفری و حفظ حقوق افراد و متهمان از یک‌سو و شناسایی و گرفتاری مجرمان واقعی در چنگال قانون و عدالت از سوی دیگر، اصل برائت هم‌چنان باید به‌عنوان عنصر اساسی در فرایند کیفری باقی بماند و عدول از آن و تقدیم اماره مجرمیت امری استثنایی فقط به‌موجب قانون قابل توجیه است و در این صورت نیز باید امکان اثبات خلاف آن برای متهم وجود داشته باشد (اکبری، مالیری و پوربافرانی، ۱۳۹۶: ۸). از این‌رو، موارد عبور از اصل برائت و معکوس شدن بار اثبات دلیل را می‌توان تنها با این شرایط مطرح کرد که؛ اولاً، ارتکاب جرم موجب صدمه‌ای شدید به جامعه شده و یا تهدیدی جدی علیه آن تلقی گردد و ثانیاً، اثبات جرم از سوی دادستان و مقام تعقیب به سبب پیچیدگی‌های خاص جرم ارتكابی امکان پذیر نباشد (شمس ناتری، پیشین: ۷۶) و ثالثاً، این‌که اماره قانونی یا قضایی که سبب ایجاد ظن قوی و اطمینان‌آور بر مجرمیت، است در میان باشد.

نمونه‌ها و موارد عدول از اصل برائت؛ یعنی اجرای اماره مجرمیت کم و بیش در فقه اسلامی در مورد قتل‌های مشکوک و موجب لوث، موارد اثبات دیه بر عاقله (ر، ک: شمس ناتری، پیشین: ۷۳-۷۴) و نیز در حقوق کشورهای مختلف، حتی در کشورهای که اصل برائت را به‌عنوان اصل اساسی حاکم بر حقوق جزا می‌دانند، وجود دارد. این موارد معمولاً در جاهای مطرح شده است که شرایط بیان شده وجود داشته باشد (همان، ۷۵-۷۶). بنابراین، عبور از فرض بی‌گناهی و جریان اصل مجرمیت در جرایم اقتصادی نیز به عنوان حالت استثنای بر اماره مجرمیت مطرح است که تنها در صورت فراهم شدن شرایط ذکر شده مجاز است و ثانیاً متهمان نیز حق رد آن را دارد.

۳. مبانی اجرای اصل مجرمیت در جرایم اقتصادی

مبانی نظری و حقوقی متعددی برای عدول از برائت و معکوس شدن بار اثبات دلیل در برخی جرایم از سوی پژوهش‌گران حقوق مطرح شده است. بسیاری از آن مبانی را در مورد اجرای اصل برائت در جرایم اقتصادی نیز، می‌توان مطرح کرد؛ چرا که ملاک اجرای اماره مجرمیت در موارد مطرح شده در بسیاری از جرایم اقتصادی نیز وجود دارد. موارد مانند رویکرد امنیت‌گرایی در سیاست جنایی، ضرورت حفظ نظم و جریان سالم فعالیت‌های اقتصادی، ضرورت تسهیل در تعقیب و کشف جرایم پیچیده و دارای آثار گسترده، تساوی سلاح‌ها، حمایت از متضرران و مال‌باختگان، از جمله موارد مهم است که می‌توان به‌عنوان مبانی و دلایل توجیه‌کننده تقدم اماره مجرمیت بر اصل برائت در جرایم اقتصادی مطرح کرد.

۱.۳. رویکرد امنیت‌گرایی در سیاست جنایی

سیاست جنایی امنیت‌مدار، الگوی خاصی از تئوری مبارزه با جرایم و حفظ نظم و امنیت اجتماعی است که در جوامع مختلف با تفاوت‌های اندکی نمودهای فراوانی یافته است. این رویکرد، الگوی پیچیده و مبهمی است که با نهادها و تأسیسات کیفری و جرم‌شناختی مختلفی در اجتماع پیوند دارد (مندنی، ۱۳۹۴: ۱۷-۱۸). امنیت‌گرایی در حقوق کیفری یعنی «مبتنی کردن قواعد و مقررات حقوق کیفری بر حاکمیت امنیت اگرچه به قیمت شکسته شدن عدالت و نگذاشتن پایه احقاق حق بر مساوات و عدم توجه به حقوق متهم تمام شود. (بنابراین) در اصطلاح حقوقی، امنیت‌گرایی عبارت از فدا کردن برخی از حقوق متهمان و مجرمان به‌منظور حاکمیت (نظم و) امنیت است» (همان، ۲۹).

اندیشه امنیت‌گرایی در حقوق کیفری، در دو بعد ماهوی و شکلی قابل ردیابی است که هرکدام در حوزه تقنین و منطق مقنن در مواجهه امنیت محور با جرایم و مجرمان نمایان می‌شود. در بعد ماهوی در بخش جرم‌انگاری، مقنن با «جرم‌انگاری تهاجمی و حداکثری» روبه‌رو است که دارای اوصاف چون؛ کمی نگر، خشن و سرکوب‌گر، تابع تحولات سیاسی روزمره و نتیجه محور است. در بعد شکلی نیز توسعه نرخ صدور قرار بازداشت موقت، ایجاد دادگاه‌های ویژه و با صلاحیت‌های خاص به‌منظور رسیدگی به

جرایم مرتبط با نظم و امنیت عمومی - مانند جرایم تروریستی، بمب‌گذاری و سایر جرایم امنیتی - محدودسازی حقوق دفاعی متهمان از جمله تقدم اماره مجرمیت بر فرض بی‌گناهی، از نمونه‌های برجسته‌ای امنیت‌گرایی در بعد شکلی حقوق کیفری است (همان، ۹۱ به بعد).

مفاهیم مانند مصالح و منافع عمومی، حمایت از سیاست‌های دولت و نظم عمومی از مفاهیم محوری در رویکرد امنیت مداری است. از این‌رو، در نظام عدالت کیفری مبتنی بر راهبرد امنیتی به برقراری نظم و احیای امنیت در جامعه و عدالت اجتماعی بیش‌تر از عدالت فردی توجه می‌نماید و در نتیجه گاه توجه به امنیت در اجتماع به واسطه شدت و اهمیت جرایم باعث می‌شود از اصول و قواعد پذیرفته شده در فرایند دادرسی مانند اصل مشروعیت تحصیل دلیل یا اصل برائت و یا اصل عدم تعرض حریم خصوصی افراد عدول گردد (جوان‌مرد، ۱۳۹۳: ۳۶۴).

قلمرو موضوعی سیاست جنایی امنیت‌گرا را غالباً جرایم سازمان یافته فراملی، جرایم تروریستی و به‌طور کلی جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی تشکیل می‌دهند. جرایم اقتصادی نیز جزو جرایم سازمان یافته به شمار می‌آیند به همین دلیل «مصالح و منافع اجتماعی‌ای که موجب عدول از اصل برائت می‌شود (تقدم اماره مجرمیت بر اصل برائت)، در حقوق هر کشور نسبت به کشور دیگر متفاوت است. در عین حال در مورد جرایم سازمان یافته، تطهیر پول و سرمایه‌های مشکوک و مظنونی که ممکن است ناشی از این‌گونه جرایم باشند، با توجه به این‌که این‌گونه اموال ممکن است اقتصاد دولت‌ها را به خطر بیندازد، توازن اقتصادی کشورها را از طریق جابه‌جایی سرمایه‌ها به هم بزنند و در نتیجه موجبات شکست اقتصادی کشورها را فراهم آورد، تقدم اماره مجرمیت بر اصل برائت در قوانین کشورهای توسعه یافته و اسناد بین‌المللی امری پذیرفته شده است» (اکبری، مالمر و پوربافرانی، پیشین: ۱۱).

از آن‌جا که امروزه جرایم اقتصادی هم به‌لحاظ ماهیت و هم به‌لحاظ صدمات جبران‌ناپذیری که به امنیت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی جامعه، در سطح ملی و بین‌المللی، وارد می‌کند در قلمرو سیاست جنایی از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردار است

(رحیمی نژاد، ۱۳۹۲: ۲۱۳) و با امنیت و نظم جامعه پیوند محکم دارد. حفظ نظم و امنیت از مسایل محوری در سیاست‌ها و راهبردهای کشورهای است، از این رو، حکومت‌ها برای برقراری نظم و زنجیره اقتصاد جامعه دست به جرم‌انگاری‌ها و ایجاد نهادهای افتراقی و اتخاذ روش‌های ویژه و استثنایی می‌زنند تا در کنترل و مبارزه با جرایم یاد شده موفق و مؤثر عمل نمایند. یکی از این روش‌های خاص، توجه به اماره مجرمیت و معکوس نمودن باراثبات دلیل است.

۲.۳. ضرورت حفظ نظم و جریان سالم فعالیت‌های اقتصادی

فعالیت‌های اقتصادی نامشروع نقش بسیار زیان‌باری در روند توسعه اقتصادی و زنجیره نظام به هم پیوسته‌ای تولید، توزیع و مصرف دارد. مبارزه درست با رفتارهای مخل نظم اقتصاد جامعه و حفظ نظم و جریان سالم فعالیت‌های اقتصادی شرط لازم برای تحقق هدف‌های ثبات و پویایی اقتصاد کشورها است؛ زیرا: جرایم سازمان یافته مانند دلال‌بازی و فعالیت‌های ناسالم در نظام اقتصادی و توزیع و مصرف کالاهای مورد نیاز جامعه و پدیده پولشویی هزینه‌های مبادلاتی (یعنی هزینه‌های به جز قیمت تمام شده) را افزایش می‌دهد، و به موازات آن، عدم اطمینان به نهادها و سازمان‌های اقتصادی فزونی می‌یابد و از کارایی اقتصادی آن‌ها کاسته می‌شود و موجب تخصیص نامناسب منابع به سمت فعالیت‌های رانت‌جویانه و در جست‌وجوی فرصت سود هنگفت، خواهد شد و این همه باعث اختلال در چرخه‌ای اقتصاد و روند سرمایه‌گذاری می‌شود. بنابراین، جرایم اقتصادی از جمله جرم پولشویی از یک‌سو، با تضعیف موقعیت نهادهای مالی و مشارکت در وقوع بحران‌های مالی، می‌تواند اختلال کلی در روند تخصیص پس اندازها به سوی منابع سرمایه‌گذاری پدید آورد و از سوی دیگر، رشد این پدیده باعث کاهش مشروعیت نظام سیاسی می‌گردد و زمینه‌ساز بی‌ثباتی سیاسی خواهد شد. (باقرزاده، ۱۳۸۶: ۳۹).

در واقع جرایم مانند تطهیر پول‌های نامشروع به‌عنوان خون حیات بخش جرایم سازمان‌یافته و گروه‌های جنایت‌کار سازمان یافته، تلقی می‌شود. این نوع درآمدها «نفوذ گروه‌های سازمان یافته جنایت‌کار را در مشاغل مشروع و متعاقباً تباه و فاسد ساختن

آن‌ها را تسهیل می‌کند و موجب می‌شود اصول اخلاقی حاکم بر مشاغل، تنزل یافته و سست گردد؛ زیرا مدیران و کارمندان مؤسسات مالی و حتی دیگر مستخدمان عمومی و سیاست‌مداران و مقامات قضایی، در معرض وسوسه‌های تحصیل بدون زحمت پول‌های کلان قرار می‌گیرند. خطر این پدیده برای این مشاغل و صنایع، نه تنها با نفوذ مستقیم، بلکه عمدتاً با رقابت غیرمنصفانه نیز ایجاد می‌شود، زیرا رقابت آزاد که یکی از ستون اقتصاد باز است، به وسیله این گروه‌ها نابود می‌شود. « (همان ۴۰)

در نتیجه چنین فعالیت‌های ناسالم در قلمرو نظام اقتصادی و بازار مالی، نه تنها در بی‌ثبات کردن اقتصاد داخلی کشورها، ایجاد فساد در سیستم بانکی و بازار پولی و اختلال در فرایند نظام تولید، توزیع و مصرف کالا و خدمات نقش بسیار تأثیرگذاری دارد که نظام سیاسی و سیاست‌های کلان اقتصادی و حکومتی، را نیز به چالش می‌کشد و مختل می‌سازد. از این‌رو، بسیاری از کشورها در سیاست جنایی خود تجدید نظر نموده و برای حفظ نظم و امنیت و کیان اقتصادی خود قوانین مستقل و خاصی را وضع کرده‌اند.

۳.۳. ضرورت تسهیل در کشف و تعقیب جرایم پیچیده و دارای آثار گسترده

جرایم اقتصادی دارای ماهیت پیچیده و مهم‌اند. بسیاری از حقوق‌دانان جرایم اقتصادی را دارای جایگاه و اهمیت بالاتری در میان بقیه جرایم می‌دانند همان‌گونه که اقتصاد در حال حاضر جایگاه ویژه‌ای در تمدن بشری دارد (زراعت، پیشین: مقدمه). مرتکبان این نوع جرایم، افراد باهوش و سودجوی هستند که برای دسترسی به اهداف خود از فنون و فن‌آوری پیش‌رفته استفاده می‌کنند و غالباً شیوه‌های سستی گردآوری دلایل و مدارک جرم، به نتایج قانع‌کننده‌ای منتهی نمی‌شود. بنابراین، پیش‌بینی روش‌های جدیدتر و متناسب با پیچیدگی‌های آن لازم است (مهدوی‌پور، ۱۳۹۱: ۵۱۷). پیچیدگی ماهیت برخی جرایم از جمله جرایم سازمان‌یافته ملی و فراملی و استفاده مجرمان از تکنولوژی و فن‌آوری روز برای ارتکاب جرم از یک‌سو و قدرت و نفوذ سیاسی و اقتصادی مرتکبان جرایم یاد شده و به‌طور خاص مرتکبان جرایم اقتصادی از سویی دیگر، سیستم سستی تحصیل دلیل و کشف جرم را ناکارآمد ساخته‌اند. از این‌رو،

قانون‌گذاران به منظور کارآمدی نظام عدالت کیفری و فعال شدن آن، در مبارزه با جرایم پیش‌رفته و خطرناک جدید، ناگزیر به پیش‌بینی «ادله نوین» و شیوه‌های جدید کشف جرم و یاری نهادهای کشف جرم و مقام تعقیب شدند. هرچند ادله جدید، طیف گسترده و بسیار متنوع و گوناگونی را شامل می‌شوند که اریله فهرست کامل از آنها دشوار است. اقدامات مانند تحقیقات و معاینات محلی، بررسی ادله مادی یا شواهد عینی، معاینات علمی و فنی، تفتیش و بازرسی محل، توقیف و ضبط اسناد و داده‌ها رهگیری مکاتبات و ارتباطات، ضبط صدا و تصویر و بسیاری دیگر از اقدامات پس از جرم به منظور کشف حقیقت و دستیابی به مجرم اصلی از موارد است که بسیاری از آنها به عنوان «امارات قضایی» در قوانین (کشورهای مختلف از جمله) ایران و فرانسه مورد توجه قرار گرفته‌اند (تدین، پیشین: ۳۶۶). علیرغم کارآمدی ادله نوین یاد شده در کشف بسیاری از جرایم اما در کشف برخی از جرایم از جمله جرایم اقتصادی به دلایل مختلف از جمله؛ روش‌های پیچیده ارتکاب جرم و پنهان کاری ادله و از بین بردن آثار جرم و نیز قدرت تهدید، تطمیع و نفوذ سیاسی و اقتصادی متهمان، دسترسی به دلایل اثبات و کشف جرم را دشوار و گاهی ناممکن ساخته است. به همین دلیل ضروری است که به روش‌های جدیدتر و کارآمدتری در کشف جرایم اقتصادی توجه شود و باید از آیین دادرسی اختصاصی و افتراقی که یکی از مؤلفه‌های آن معکوس نمودن بار اثبات در برخی موارد است، بهره گرفته شود (اکبری، المیر و پوربافرانی، پیشین: ۱۳) تا نظام عدالت کیفری بتواند با اخلال‌گران نظم اقتصادی و ناقضان سیاست‌ها و برنامه‌های اقتصادی به صورت فعال مبارزه کند و مصالح و منافع عمومی را با تضمین جریان سالم فعالیت‌های اقتصادی تأمین نماید.

۴.۳. اصل تساوی سلاح‌ها

اصل برابری طرفین دعوی، که از آن به «اصل تساوی سلاح‌ها» یاد می‌شود یکی از ارکان مهم دادرسی منصفانه و محاکمه عادلانه به شمار می‌آید. از این اصل در قوانین بین‌المللی و منطقه‌ای و رویه قضایی با واژه انصاف در دادرسی و یا دادرسی عادلانه تعبیر شده است (شریفی و شیدائیان، ۱۳۹۶: ۱۵۲). کمیسیون اروپایی حقوق بشر در پرونده

«شو آبوویچ» علیه سوئد در خصوص تساوی سلاح‌ها چنین ابراز داشته است: «انصاف اقتضا می‌کند که هریک از طرفین دعوا بتوانند از خود - چه در امور کیفری و چه در امور حقوقی - در شرایطی دفاع نمایند که آنان را در روند دادرسی نسبت به طرف مقابل خود به گونه‌ای غیرعادلانه در وضعیت نامساوی قرار ندهد» (همان و آشوری، ۱۳۹۲: ۱۱۲). بنابراین، اصل یاد شده از دادرسی منصفانه یا عادلانه اتخاذ شده و به عبارتی، انصاف و عدالت ایجاب می‌کند که طرفین دعوا در فرایند دادرسی از حقوق مساوی بهره‌مند باشند (شریفی و شیدائیان، پیشین: ۱۵۲).

البته از آن‌جا که در فرایند دادرسی کیفری، (معمولا) مقام تعقیب به عنوان مدعی العموم (و طرف دعوی) در برابر متهم از اقتدار خاص و امکانات مختلف برخوردار است و متهم فاقد چنین موقعیتی است، لذا اصل برائت کیفری به عنوان یک تضمین برای رعایت اصل برابری سلاح‌ها و ایجاد تعادل و توازن قدرت میان طرفین دعوی وضع گردیده است (رحیمی‌نژاد، ۱۳۸۷: ۲۰۷). در این نگاه که از آن به «رویکرد سنتی به اصل مذکور» یاد شده، توجه حقوق دانان بیش‌تر بر تقویت حقوق دفاعی متهم به منظور متناسب کردن آن با اختیارات و امکانات دادستان، متمرکز بوده است، که در رفتار متقابل دادستان و متهمان در جرایم عادی صدق می‌کند. اما در جرایم اقتصادی که در طرف مقابل دادستان، متهمانی موجه و عمدتاً قدرتمند و دارای موقعیت بالای اجتماعی و اقتصادی قرار دارند و به لحاظ برخورداری از زر و زور، براحتی می‌توانند امکانات و ابزارهای قانونی دادستان را دور زده و خود را از تعقیب و محاکمه رها نمایند، رویکرد سنتی اصل تساوی سلاح‌ها نمی‌تواند متضمن مساوات و تعادل در رابطه بین طرفین دعوا باشد و مستلزم تغییر و تحول به رویکردی نوین در جهت توسعه و تقویت ابزارهای قانونی و گسترش اختیارات دادستان در تعقیب جرایم اقتصادی و متهمان به ارتکاب آن می‌باشد تا با حمایت از دادستان و کنترل نفوذ و قدرت متهمان به جرایم اقتصادی بتوان امکان تعقیب و اجرای عدالت در مورد آنان را فراهم و موازنه قوا یا تساوی سلاح‌ها میان طرفین را برقرار ساخت. (شریفی و شیدائیان، پیشین، ۱۵۰-۱۵۱).

بنابراین، برابری طرفین یک جزء اساسی ساختار توافقی دادرسی است که بر مفهوم محاکمه عادلانه به عنوان نزاعی بین دوطرف استوار است، طبق این رویکرد برای هر دو طرف دادرسی، داشتن حقوق مساوی اجتناب ناپذیر است، در غیر این صورت، مبارزه منصفانه‌ای میان دو معارض وجود نخواهد داشت و ناظران نسبت به نتیجه متعهد نخواهند شد. بنابراین، این اصل دوطرفه است و مقام تعقیب نیز حق دارد در مواضع نامساعدی در مقایسه با متهم نباشد (کسسه، ۱۳۸۷: ۱۵۶). بنابراین، در شرایط و اوضاع و احوال خاصی که متهمان از موقعیت برتر و از ابزار و سلاح‌های قوی‌تری بهره‌مند هستند، قدرت نفوذ سیاسی و اقتصادی بالایی دارند و در مقابل، دادستان و مقام تعقیب در موضع ضعف قرار دارد و در کشف و اثبات جرم با مشکلات فراوانی روبه‌رو است. در چنین وضعیتی برای تحقق دادرسی عادلانه مقام تعقیب حق دارند که از حمایت بیش‌تری قانونی بهره‌مند باشند، تا توازن و تعادل میان طرفین دعوی برقرار شود. چنان‌که بیان شد جرایم اقتصادی از مصادیق چنین وضعیت است که معمولاً مقام تعقیب برای کشف جرم و اثبات دلیل با دشواری‌های روبه‌رو است و یکی از ابزارهای که مقام تعقیب را در این جایاری می‌کند و موجب تحقق اصل تساوی سلاح‌ها در قبال متهمان می‌شود، توجه به اماره مجرمیت و معکوس شدن بار اثبات دلیل است. بدین ترتیب با معافیت دادستان از اثبات عناصر تشکیل دهنده جرم در قبال متهمان به جرایم اقتصادی امکان تحقق تساوی سلاح‌ها بین طرف‌های دعوای کیفری میسر می‌شود (شریفی و شیدائیان، پیشین، ۱۵۷).

۵.۳. حمایت از متضرران و مال باختگان

یکی از ویژگی‌های برجسته آموزه‌ها و نظریه‌های علوم جنایی در چند دهه گذشته، افزایش توجه به جایگاه بزه‌دیده و متضرران از جرم، در دادگری جنایی بوده است. این نگرش با این واقعیت پیوند دارد که اگر حقوق جنایی به نقش و جایگاه بزه‌دیدگان توجه نکند، نمی‌تواند نقش خود را به‌خوبی ایفا کند و کارایی لازم را در مبارزه با جرم داشته باشد. از نیمه قرن بیستم به این سو، بزه‌دیده به عنوان یکی از کنش‌گران مهم در سیاست جنایی مورد توجه قرار گرفته است و رویکردی جدیدی تحت عنوان «سیاست

جنایی بزه‌دیده مدار» به وجود آمده است. در این رویکرد حمایت از بزه‌دیدگان در یک الگوی چهارگانه؛ قانون‌گذاری، قضایی، اجرایی و مشارکتی، مورد توجه قرار گرفته است. (رایجیان اصلی، ۱۳۹۰: ۱۱۳-۱۱۴). یکی از الگوهای حمایتی از بزه‌دیده، در چارچوب الگوهای یاد شده، حمایت شکلی آیین دادرسی مدار است که عبارت از پیش‌بینی ساز و کارهایی برای احقاق حقوق بزه‌دیده در چارچوب قانون و به‌ویژه مقررات آیین دادرسی جنایی است (همان: ۱۲۶). از آن‌جا که حمایت از نیازمندان و به‌ویژه از بزه‌دیدگان خاص جزء ارزش‌های جوامع و به تبع آن جزو وظایف حکومت‌ها است. از این‌رو، سیاست جنایی کشورها نمی‌تواند از این مهم به بهانه نبود ابزار و امکانات لازم عبور کند؛ ممکن است برخی بزه‌دیدگان خاصی که قربانی (و متضرر از جرم و) جنایت شده‌اند از ارلیه ادله اثبات علیه متهم عاجز باشند، (در این صورت حکومت و نظام قضایی موظف است) در راستای برقراری توازن و تساوی سلاح‌ها بین طرفین، از شیوه‌های افتراقی حمایت از بزه‌دیدگان (استفاده نمایند که یکی از مصادیق آن) معکوس کردن بار اثبات جرم و مکلف نمودن متهمان به رفع اتهام از خود شان است (اکبری، مالیر و پوربافرانی، پیشین: ۹۵-۹۶).

بزه‌دیدگان جرایم اقتصادی از چند جهت نیازمندی حمایت‌های افتراقی نظام عدالت کیفری است؛ در جرایم اقتصادی، مال باختگان و بزه‌دیدگان الزاماً اشخاص عادی نیستند، اشخاص حقوقی مانند شرکت‌ها، مؤسسات و گاهی نیز مردم و جامعه و یا حکومت از بزه‌دیدگان این نوع جرایم به شمار می‌آیند. ثانیاً، بسیاری از بزه‌دیدگان متوجه ضرر و بزه‌دیدگی شان نمی‌شوند که تا اموالی را که از دست داده‌اند اعلان کنند، در واقع قربانی هستند اما خودشان اطلاع ندارند. به عبارت دیگر، در جرایم مالی جدید وضعیت به گونه‌ای است که، متضررها ضرر می‌کنند، اما نمی‌دانند از کجا ضرر کردند؟ اموال شان از بین می‌روند اما آن‌ها متوجه نمی‌شوند و در واقع در بسیاری موارد به نحوی، تصاحب اموال به صورت مخفی و یا در زیر پوشش رفتارها و معاملات به ظاهر مشروع انجام می‌شود. بنابراین، در جرایم اقتصادی بزه‌دیدگان بسیار گسترده است و بسیاری از قربانیان از بزه‌دیدگی شان مطلع نیستند و اگر هم آگاه شوند به دلیل ماهیت

پچیده و قدرت و نفوذ اقتصادی و سیاسی مجرمان دست شان از اثبات بزه‌دیدگی شان کوتاه است. لذا ضرورت دارد که تدابیر ویژه و افتراقی برای حمایت از بزه‌دیدگان در مرحله، قانون‌گذاری و قضایی و اجرایی مورد توجه قرار گیرد. یکی از مهم‌ترین این اقدامات پیش‌بینی اماره مجرمیت و انتقال بار اثبات دلیل به عهده متهمان جرایم اقتصادی است.

نتیجه

باتوجه به این که امروزه جرایم اقتصادی به لحاظ ماهیت بسیار پیچیده و به لحاظ آثار، بسیار گسترده و خطرناک است؛ صدمات جبران ناپذیری به امنیت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی جامعه، در سطح ملی و بین‌المللی، وارد می‌کند و با امنیت و نظم جامعه پیوند محکم دارد. همین پیچیدگی ماهیت جرایم اقتصادی از یک سو و برجستگی و ویژگی‌های خاص مرتکبان آن، که معمولاً افراد با هوش و منفعت طلبی هستند که به هدف کسب سود از فن‌آوری پیش‌رفته بهره می‌گیرند و با تقلب و حيله و سوء استفاده از دانش اقتصادی و نیازهای مردم و جامعه، دست به ارتکاب جرم می‌زنند از سوی دیگر و نیز از آن جا که این جرایم غالباً بزه‌دیده مستقیم ندارند و یا اگر بزه‌دیدگان مستقیم هم دارند اکثراً از بزه‌دیدگی شان آگاه نیستند در نتیجه آثار سوء آن متوجه گروهی از افراد و یا جامعه می‌شوند، لذا امکان شکایت و کشف جرم بسیار اندک است و ادله سنتی و روش‌های معمول کشف جرم و تعقیب در این جا غالباً کارآمدی مطلوب را ندارند. با توجه به منطق و مبانی که به لحاظ حقوقی - مانند امنیت‌گرایی در سیاست جنایی، حفظ نظم و امنیت اقتصادی، تسهیل در کشف جرایم پیچیده، اصل تساوی سلاح‌ها و در نهایت حمایت از بزه‌دیدگان و متضررین این نوع جرایم، - مطرح شد، می‌توان گفت: اجرای «اماره مجرمیت» در جرایم اقتصادی ممکن است و تقدم آن بر اماره برائت در این جا به لحاظ مبانی حقوقی قابل توجیه است.

رویکرد جدید کشورهای مختلف در حوزه سیاست جنایی، به‌ویژه در حمایت از حفظ جریان سالم زنجیره اقتصاد جامعه، در قالب جرم‌انگاری‌های نوین و ایجاد نهادهای افتراقی و اتخاذ روش‌های ویژه و استثنایی در کنترل و مبارزه با جرایم اقتصادی نیز به همین ضرورت اشاره دارد. به‌صورت خاص در مورد تقدم اماره مجرمیت، در کشورهای مختلف، از جمله در قوانین بین‌المللی نسبت به جرایم متعدد و مهم از جمله در حوزه جرایم علیه امنیت، جرایم جنگی و ثروت‌های مشکوک و پول‌شویی اقداماتی پیش‌بینی شده است. در فقه نیز نمونه‌های از آن، قابل ردیابی است.

فهرست منابع

۱. ابراهیمی، شهرام، «جرم اقتصادی و کنترل آن»، مجله حقوقی دادگستری، ش ۶۱، زمستان ۱۳۸۶.
۲. اکبری، عباس‌علی، مالمیر، محمود و پوربافرانی، حسن، نشریه علمی - پژوهشی فقه و حقوق اسلامی، سال هشتم، شماره چهاردهم، بهار و تابستان ۱۳۹۶، صفحات ۱-۲۹.
۳. _____، «مفهوم و مبانی عدول از اصل برائت»، نشریه علمی - پژوهشی فقه و حقوق اسلامی، سال هشتم، شماره چهاردهم، ۱۳۹۶، صفحات ۱-۲۹.
۴. آشوری، محمد، عدالت کیفری ۲ (مجموعه مقالات)، چاپ اول، تهران، انتشارات دادگستر، ۱۳۹۲.
۵. باقرزاده، احد، پول‌شویی در حقوق ایران و انگلستان و اسناد بین‌المللی، تهران، میزان، ۱۳۸۶.
۶. تدین، عباس، تحصیل دلیل در آیین دادرسی کیفری، تهران، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۸.
۷. دولت‌شاهی، طهماسب محتشم، مبانی علم اقتصاد، انتشارات خجسته، چاپ شانزدهم، [بی تا].
۸. دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه دهخدا، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۷.
۹. رایجیان اصلی، مهرداد، بزه‌دیده شناسی؛ تحولات بزه‌دیده شناسی و علوم جنایی، موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، چاپ اول، ۱۳۹۰.
۱۰. رحمدل، منصور، آیین دادرسی کیفری، تهران، انتشارات دادگستر، چاپ دوم، ۱۳۹۴.
۱۱. رحیمی‌نژاد، اسماعیل، کرامت امت انسانی در حقوق کیفری، تهران، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۷.

۱۲. _____، نگاهی بر محدودیت‌ها، موانع و نواقص قانونی کنتل جرایم اقتصادی در ایران، مندرج در دایرةالمعارف علوم جنایی (مجموعه مقالات) زیر نظر علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۲.
۱۳. زراعت، عباس، حقوق کیفری اقتصادی، تهران، انتشارات جنگل، ۱۳۹۵.
۱۴. شریفی، عبدالحمید، و شیدائیان، مهدی، «الزامات تساوی سلاح‌ها در رفتار دادستان و متهم؛ با نگاهی به جرایم اقتصادی»، فصل‌نامه علمی- پژوهشی علوم اجتماعی، دوره ۱۱، زمستان ۱۳۹۶، صص ۱۴۹-۱۸۱.
۱۵. شمس ناتری، محمدابراهیم، «اصل برائت و موارد عدول از آن در حقوق کیفری»، مجله مجتمع آموزش عالی قم، سال چهارم، شماره چهاردهم، ۱۳۸۱، صص ۶۵-۸۸.
۱۶. قافی، حسین، شریعتی، سعید، اصول فقه کاربردی، قم، پژوهش‌گاه حوزه و دانشگاه، چاپ یازدهم، ۱۳۹۷.
۱۷. کاتوزیان، ناصر، مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ هفتاد و دو، ۱۳۸۸.
۱۸. کسسه، آنتونیو، حقوق کیفری بین‌المللی، ترجمه: حسین پیران و دیگران، تهران، انتشارات جنگل، ۱۳۸۷.
۱۹. مدنی، سید جلال‌الدین، ادله اثبات دعوی، تهران، انتشارات پایدار، چاپ نهم، ۱۳۸۵.
۲۰. مظفر، محمدرضا، اصول الفقه، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۰.
۲۱. معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، تهران، انتشارات امیر کبیر، چاپ بیست یکم، ۱۳۸۳.
۲۲. مهدوی‌پور، اعظم، تعقیب و تحقیق جرم اقتصادی؛ روش‌ها و ویژگی‌ها، مندرج در «دایرةالمعارف علوم جنایی» (مجموعه مقالات، زیر نظر علی حسین نجفی ابرند آبادی)، کتاب دوم، ۱۳۹۲.

۲۳. _____، سیاست کیفری افتراقی در قلمرو بزهکاری اقتصادی، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۰.

۲۴. میرسعیدی، سیدمنصور و زمانی، «محمود، جرم اقتصادی؛ تعریف یا ضابطه؟»، مجله پژوهش حقوق کیفری، سال دوم، شماره چهارم، پاییز ۱۳۹۲، ص ۱۶۷-۱۹۹.

۲۵. نجفی ابرندآبادی، علی حسین و هاشم بیگی، حمید، دانش‌نامه جرم‌شناسی، تهران، گنج دانش، ۱۳۹۰.